ادامه از صفحه اول

یوآن به‌جای دلار؟

مثال عینی آن دلار، پول رایج جهانی است. اگر در گذشته‌های دور کیمیاگری سعی در تبدیل مس به طلا داشت، امروز با چاپ رنگی کاغذ و آسان‌تر از آن با حرکت قلم در دفاتر بانک‌ها یا جابه‌جایی دیجیتالی در حساب اشخاص در بانک‌ها، ارقام نجومی دلار خلق می‌شود و قدرت خرید غیرقابل‌تصوری را در اختیار ناشران آن، عمدتا نظام بانکی آمریکا و نظام بانکی چند کشور قدرتمند اقتصادی جهان قرار می‌دهد. توجه خواهد شد که در انتشار پول ملی و رواج آن در محدوده ملی، قدرت خرید بخشی از مردم به بخشی دیگر منتقل می‌شود. اما در مورد انتشار پول جهانی این قدرت خرید مردم سایر کشورهاست که بدون هرگونه مابازایی به آمریکا منتقل می‌شود. در گذشته پیش از جنگ جهانی دوم، برای پول جهانی از پوند انگلستان، مارک آلمان، فرانک فرانسه و دلار آمریکا استفاده می‌شد. در نتیجه امتیازهای حاصل از تأمین نیاز نقدینگی جهانی میان قدرت‌های بیشتری توزیع می‌شد. در پایان جنگ جهانی دوم، آمریکا تنها پیروز اقتصادی، سیاسی و نظامی جنگ بود. متفقین به صورت اخص انگلستان و فرانسه در کنار آمریکا پیروز نظامی بودند، اما به‌شدت آسیب اقتصادی دیده بودند و به لحاظ سیاسی نیز وامدار آمریکا بودند. متحدان، آلمان، ایتالیا و ژاپن شکست‌خوردگان جنگ بودند و با اقتصاد ویران‌شده خود قدرتی در مذاکرات سیاسی و اقتصادی نداشتند. آلمان به دو نیمه شرقی و غربی تقسیم شده بود. نیمه غربی تحت سلطه آمریکا، انگلستان و فرانسه و نیمه شرقی تحت سلطه شوروی بود. شوروی گرچه پیروز نظامی بود اما آسیب زیادی را متحمل شده بود. به جهت سیاسی و اقتصادی نیز براساس باورهای عقیدتی سودای حکومت واحد جهانی در سر داشت. چین هم با اقتصادی ضعیف درگیر جنگ داخلی بود. در جولای ۱۹۴۴ جامعه جهانی درصدد برآمد که در کنار ترتیبات و نظم سیاسی دنیای بعد از جنگ، نظمی نیز برای دنیای اقتصاد و به صورت اخص برای بازسازی دنیای جنگ‌زده، پرداخت‌های بین‌المللی، مدیریت نرخ تبدیل پول کشورها و احتراز از جنگ تضعیف پول‌های ملی پیش‌بینی کند. سازمان‌های بزرگ مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هم رهاورد این نگرش و تلاش است. در این راستا کنفرانس برتن‌وودز در نیوهمشایر آمریکا با شرکت ۴۴ کشور تشکیل شد و موافقت‌نامه‌های برتن‌وودز به امضا رسید. با توجه به قدرت بلامنازع آمریکا از نظر اقتصادی و سیاسی، این موافقت‌نامه‌ها به گونه‌ای تنظیم شد که با وجود تلاش‌ها و اصلاحات بعدی عملا دلار آمریکا پول جهانی و فدرال رزرو - بانک مرکزی آمریکا - بانک مرکزی دنیا شد. شایان ذکر است پیشنهاد کینز، اقتصاددان معروف مبتنی بر استفاده از پول جهانی معینی به جای پول سایر کشورها بود که موافقت آمریکا را به دنبال نداشت. به این ترتیب برایند نیروهای مختلف موجب شده است در عصر حاضر نقش پول جهانی عمدتا بر عهده دلار آمریکا باشد. در این میان می‌توان گفت در سطح محدود و ناچیز، استفاده از پول ایران نیز به صورت موجودی ریالی یا برگ اسکناس در مؤسسات بانکی و مالی یا نزد مردم کشورهای همسایه مانند افغانستان، عراق، امارات و.. متضمن امتیازات مشابه پول‌های جهانی برای مردم ایران است. مردم منطقه با فروش کالا و خدمت ریال‌ها یعنی بدهی کشور ایران را خریداری می‌کنند، چه معامله‌ای سودآورتر از این؟ چراکه قرار نیست در شرایط عادی رو به رشد، هرگز این بدهی پرداخت شود و چه خوب بود که می‌توانستیم حجم آن را افزایش دهیم. متأسفانه به دلیل نااطمینانی به ریال و شرایط سیاسی ایران، حجم آن محدود بوده و روزبه‌روز محدودتر نیز می‌شود. ترامپ و افول دلار: با ورود پول‌های جهانی رقیب دیگر به‌ویژه یورو و یوآن از یک سو و جنگ‌های تجاری نادرست رئیس‌جمهور آمریکا و تحریم‌های ضدایرانی او از سوی دیگر، پیش‌بینی می‌شود روند واگرایی جهانی از دلار شدت یابد و منافع آمریکا رو به کاهش نهد. اما هنوز دلار از نظر تأمین وظایف پولی برای مبادلات بین‌المللی، پیشتاز همه پول‌های دیگر است. آمریکا بسیار بیش از توان اقتصادی خود درگیر اقتصاد جهانی است. هم‌اکنون تولید آمریکا حدود ۲۲ درصد تولید جهانی به قیمت بازار و حدود ۱۵ درصد تولید جهان برحسب قدرت برابری خرید است. درحالی‌که نصف یا حتی بیش از نصف خریدها، ذخایر، تسویه‌ها، نقدینگی و تأمین مالی بین کشورها، به صورت دلار انجام می‌شود. ایالات متحده آمریکا، از نقش کلیدی پولی دلار سه فایده اقتصادی مهم به دست می‌آورد. اولین فایده این است که می‌تواند از خارج به صورت دلاری وام بگیرد. وقتی دولتی به پول خارجی وام می‌گیرد، اگر از عهده بازپرداخت آن برنیاید، ورشکست می‌شود؛ اما این برای آمریکا که به پول کشور خود وام می‌گیرد اتفاق نمی‌افتد و این همان کیمیاگری پول جهانی است. نقش بین‌المللی دلار به خزانه‌داری آمریکا این امکان را می‌دهد که نقدینگی بیشتری را با نرخ بهره کمتری وام بگیرد. مزیت دیگر دلارِ جهانی‌شده برای آمریکا در بانکداری تجاری است. ایالات متحده یا اگر دقیق‌تر گفته شود وال‌استریت، با فروش خدمات بانکی به بقیه جهان، درآمد سرشاری به چنگ می‌آورد. سومین نفع ایالات متحده در کنترل نظارتی است؛ ایالات متحده به‌صورت مستقیم یا با مشارکت دیگر کشورها اداره مهم‌ترین سیستم تسویه پولی جهان را بر عهده دارد، اما نگاهی به گذشته نشان می‌دهد مدت‌هاست عملکرد مدیریت پولی آمریکا غیرمتعادل و نامطلوب شده است و افزون بر آن، در سال‌های اخیر سوءاداره ترامپ مزید بر علت شده است.

ادامه در صفحه ۱۳

مصوبات اخیر وزارت صنعت، معدن و تجارت، محدودیت در سقف معاملات را حذف کرد

روی دیگر بخش‌نامه دولت

شرق: «رانتی به رانت دیگر بدل شد.» این خلاصه نتیجه ابلاغیه‌های اخیر وزارت صنعت، معدن و تجارت برای به‌ظاهر حذف دلالی و واسطه‌گری در بورس کالاست. ماجرا از این قرار است که با تعیین نرخ ۴۲۰۰ تومان یارانه‌ای به‌عنوان قیمت پایه در بورس، گروه مشخصی از واسطه‌گران به نظر می‌رسد به داده‌های رانتی دسترسی داشتند، عمده محصولات را خریداری کرده و با ایجاد کمبود ظاهری در بازار، به عرضه محصولات در خارج از بورس، با قیمت‌های بسیار کلان به خریداران اصلی پرداختند؛ اقدامی که بسیاری از شرکت‌های پایین‌دستی را به ورطه ورشکستگی کشاند. حالا دولت در اقدامی جدید برای حذف این رانت که با تصمیم اشتباه خود او ایجاد شده بود، سقف رقابت محصولات در معاملات را برداشت تا این سودجویان را حذف کند، اما نتیجه چه می‌شود؟ دوباره همان دلالان که با یارانه ۴۲۰۰تومانی محصولات عمده‌ای را ذخیره کرده‌اند، همان محصولات یارانه‌ای را به قیمت آزاد در بورس کالا عرضه می‌کنند. با این تفاوت که این‌بار، سود بسیار کلانی از جیب این دلالان به جیب بالادستی‌های پتروشیمی، فولاد و دیگر گروه فلزات می‌رود؛ همان گروه‌هایی که ارز خود را حتی با زور دولت نیز در بازار عرضه نمی‌کنند و سرپیچی هماهنگی را در مقابل اقتصاد کشور دنبال می‌کنند. اما وقتی از این جابه‌جایی رانت حرف می‌زنیم، دقیقا از چه چیز سخن می‌گوییم؟

شهریورماه بستر چند تغییر اساسی در شیوه معاملات در بورس کالا بود. پنجم شهریور، بر اساس ابلاغیه اخیر وزارت صنعت، معدن و تجارت، سقف رقابت در معاملات بورس کالا برای فولاد ۱۰ درصد و برای مس و آلومینیوم آزاد اعلام شد. دو هفته بعد، در تاریخ ۲۰شهریور، همین سقف برای محصولات فولادی به دستور معاون معدنی وزیر صنعت، حذف و دیروز در تاریخ ۲۶ شهریور نیز، به دستور مستقیم محمد شریعتمداری، وزیر صنعت، معدن و تجارت، محدودیت در سقف رقابت محصولات پتروشیمی نیز لغو شد. این اقدامات به دنبال گسترش واسطه‌گری در بورس کالا و خرید عمده محصولات بر پایه چهارهزارو ۲۰۰ تومانی با بازه فروش حدود پنج تا ۱۰درصدی و کمبود محصولات در بازار صورت گرفت. در اینجا، دست دلالان پر بود و اغلب صنایع پایین‌دستی با کمبود محصول مواجه شدند. حالا این دلالان بودند که می‌توانستند محصولات خریداری‌شده را با هر نرخی بفروشند؛ نرخ‌هایی که با فاصله بسیار زیاد حتی تا ۱۷ هزار تومان نیز گزارش شده بود. ایجاد این بستر مسموم، سبب شد که دولت به دنبال حذف واسطه‌گری برآید؛ واسطه‌گرانی که البته غیروابسته نبودند و بدون تردید از رانت ویژه‌ای برای دستیابی به بیشترین خرید در بازار برخوردار بودند. این اقدامات که به‌تدریج به بهانه دلالی در بورس کالا به‌صورت قطره‌چکانی منتشر شد، روی دیگری هم دارد. با حذف محدودیت در سقف رقابت این محصولات، معاملات در بورس کالا با هر نرخی که رقابت در بازار ایجاب کند، انجام می‌گیرد. این اتفاق، سبب نزدیکی قیمت محصولاتی که قبلا یارانه‌ای خریداری شده بودند، به بازار آزاد می‌شود و سود مستقیما به جیب شرکت خریدار می‌رود؛ پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها و صنایع وابسته به مس و آلومینیوم. این اتفاق بدان معناست که دوباره بخش‌های قدری که این روزها برچسب دورزدن سامانه نیما را بر پیشانی دارند و دولت به‌سختی توانسته آنها را راضی کند که ارز خود را به بازار بیاورند، قوی‌تر شوند و سرکشی‌شان بنا بر تجارب اخیر، بیشتر شود.

برخی کارشناسان این اقدام را هرچند در ظاهر برای مقابله با واسطه‌گری برمی‌شمردند، اما از آن در قالب «تبدیل رانت به رانتی دیگر»، خطاب می‌کنند. اما اینکه چرا این اتفاقات در شرف وقوع است و ناظری بر چنین عملکردی وجود ندارد، موضوعی است که سیاست‌گذاران باید نسبت به آن پاسخ‌گو باشند. در هر حال، این بازی پیچیده، فقط اعتماد عمومی به تصمیم‌های مقطعی سیاست‌گذاران را زیر سؤال می‌برد و مفهوم دیگری را دنبال نمی‌کند. این رانت‌ها که فقط جیب به جیب می‌شود، منافع چه کسانی یا چه گروه‌هایی را تأمین می‌کند؟

بازی بزرگ

حسین راغفر، اقتصاددان، در گفت‌وگو با «شرق»، می‌گوید: این یک بازی است که دولت خود آن را ساماندهی می‌کند. فسادهای مالی و اقتصادی در اموال عمومی مانند ۲۰ میلیارد دلار ارزی که در مدت کوتاهی از سوی بانک مرکزی پرداخته و بخش قابل توجهی از آن از کشور خارج شد و شرکت‌هایی که به گفته دادستانی، یک‌ماهه ایجاد شدند و این مبالغ را دریافت کرده و کالا را وارد کشور نکردند و حتی وزارت صنعت، معدن و تجارت حاضر نشد اسامی آنها را علنی کند، نوعی بی‌اعتنایی به شعور افکار عمومی است. راغفر با اشاره به نمونه‌ای از رانت ایجادشده در بورس کالا می‌گوید: در صنعت پلیمر که از صنایع پایین‌دستی پتروشیمی محسوب می‌شود، اتفاق عجیبی رخ داد. در این مدت فقط ۴۰ درصد پی‌وی‌سی به تولیدکنندگان اصلی و باسابقه داده شد و ۶۰ درصد دیگر آن به افراد و تعاونی‌هایی رسید که با خرید محصول با ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی و ایجاد کمبود در بازار برای خریداران واقعی، همین محصولات را با قیمتی فراتر از چهار برابر قیمت، ۱۷ هزار تومان به فروش رساندند. این اتفاق سبب شد تعدادی از این شرکت‌های پلیمری ورشکسته شوند. او با طرح این پرسش که چه کسی ناظر بر این توزیع رانت است که زمینه را برای نارضایتی‌های گسترده فراهم کرده، ادامه می‌دهد: تردیدی ندارم که تعمدی وجود دارد.

سودی که دوباره به جیب پتروشیمی‌ها می‌رود

حمید حسینی، سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی نیز در گفت‌وگو با «شرق» با تأیید جابه‌جایی رانت با تصمیم موقتی دوباره وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌گوید: با مبنای قراردادن چهارهزارو ۲۰۰ تومان به‌عنوان قیمت پایه در بورس کالا، رانتی ایجاد شد که دلالان و واسطه‌ها از آن سود بردند. به گفته او، برخی با دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی محصولات را خریداری کرده و رقابت نیز در سطح ۵ تا ۱۰ درصد بود و قیمت کالایی که می‌خریدند با بازار تفاوت فاحش داشت و همین امر، سوءاستفاده در بازار را افزایش داد. حسینی با بیان اینکه با حذف آن رانت در قالب لغو محدودیت در سقف رقابت محصولات پتروشیمی، رانت دیگری به وجود آمد، می‌گوید: با برداشتن محدودیت در سقف رقابت محصولات پتروشیمی که تا امروز حدود پنج درصد قیمت پایه بود، سود کلانی به جیب واحدهای پتروشیمی می‌رود و دیگر این رانت در اختیار واسطه‌ها قرار نمی‌گیرد. او تصریح می‌کند: اینکه این سود که ناشی از کمبود در بازار است در اختیار واحدهای پتروشیمی قرار می‌گیرد، اشتباه بزرگی است، زیرا بنا به تجربه، این سود به صنعت و مصرف‌کننده برنمی‌گردد و دوباره عده‌ای از ذی‌نفعان به دولت فشار می‌آورند و تصمیم دیگری گرفته می‌شود و عده دیگری متضرر می‌شوند. حسینی ادامه می‌دهد: کار عاقلانه آن است که مابه‌التفاوت قیمت در بورس کالا و بازار آزاد، در صندوقی جمع‌آوری شده و به فعالیت‌های صنایع پایین‌دستی نفت، گاز و پتروشیمی داده می‌شد تا اینکه دوباره به جیب شرکت‌های پتروشیمی برود. به گفته او، تصمیمات مقطعی و یک‌جانبه دولت در نهایت به ضرر کشور تمام خواهد شد.

این در حالی است که تاکنون به گفته رضا نوروززاده، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، پتروشیمی‌ها متعهد هستند از ۲۶مرداد تا پایان سال شش‌میلیاردو ۹۸۶میلیون‌و ۸۰۰هزار دلار ارز حاصل از صادرات خود را در سامانه نیما عرضه کنند و از این رقم تاکنون، از ۲۱ فروردین سال جاری تا ۲۱ مرداد در مجموع دومیلیاردو ۵۷۱میلیون‌و ۸۰۰هزار دلار ارز حاصل از صادرات توسط پتروشیمی‌ها در سامانه نیما عرضه شده است.

۹ پیشنهاد برای کنترل بازار ارز

حمید قاسمی . کارشناس اقتصادی

هنگامی‌که عده‌ای به لطف برخورداری از منابع حاصل از اجرای سیاست‌های اندک‌سالارانه از بی‌بندوباری نرخ ارز با الفاظ تدلیس‌شده‌ای مانند اصلاح و واقعی‌سازی نرخ ارز داد سخن می‌دادند، به‌تکرار دلسوزان فریاد برمی‌آوردند که بازی با نرخ ارز عواقب جبران‌ناپذیری را بر بدنه اقتصاد کشور وارد خواهد آورد.آن زمان از تاریخ تکراری این تصمیمات و شکست‌های آشکار طرفداران هرج‌ومرج بازار به‌قدر توان سخن گفتیم و امروز که باز به همان مسیر رفته‌اند که عواقب آن بر همگان مشهود است و آتش آن بر پوست و گوشت اقشار کم‌درآمد مشهودتر است. منافع را برده‌اند و قصور این تصمیمات را بر دوش دیگران استوار می‌سازند و با حمله به طیفی که مرتب و بنا بر گواه تاریخ نه‌چندان دور دلسوزانه آنها را از عواقب نظریات خطرناکشان آگاه می‌کردند، مشخص نیست سعی دارند باز کدام بیراهه را به‌عنوان در باغ سبز جدید به سیاست‌گذاران نشان دهند که دل به توصیه‌های ایشان بسته‌اند. در این نوشته به‌طور مختصر توضیح خواهم داد که به‌واسطه کدام سیاست‌ها این‌گونه جامعه گرفتار آمده است.

اقتصاددان‌های بازار آزاد با وجود کوشش‌های عظیم نتوانسته‌اند تبیین قانع‌کننده‌ای از تفاوت شگرف عملکرد اقتصادهای کاملا ناهمسان در طول زمان ارائه کنند. واقعیت آن است که نظریه بازار برای این کار ساخته نشده است. نظریه نئوکلاسک بر فرض بنیانی کمیابی و بالطبع رقابت استوار است؛ استلزام‌های موزون این نظریه از فروض آن درباره بی‌اصطکاک‌بودن فرایند مبادله نتیجه می‌شود. در این فرایند فرض بر آن است که حقوق مالکیت به‌طور کامل و بدون هیچ هزینه‌ای تصریح شده است و کسب اطلاعات نیز به همین شکل هزینه‌ای در بر ندارد.

براساس این شرایط اگر بازیگران در ابتدا مدل‌های متعدد و نادرست داشته باشند، فرایند بازخورد اطلاعاتی مدل‌های غلط اولیه را تصحیح خواهد کرد، رفتارهای منحرف را کیفر خواهد داد و بازیگران بازمانده را به مدل‌های صحیح رهنمون خواهد ساخت. یکی دیگر از شرایط ضمنی بسیار خشک و انعطاف‌ناپذیر مدل بازار رقابتی آن است که اگر هزینه‌های معاملاتی قابل‌توجه باشند، نهادهای بازار طوری طراحی خواهند شد تا بازیگران وادار شوند اطلاعات حیاتی لازم برای دست‌یافتن به مدل‌های صحیح را کسب کنند؛ این امر فقط به این معنا نیست که نهادها برای کسب نتایج کارا طراحی می‌شوند بلکه این نیز هست که تحلیل اقتصادی می‌تواند از نهادها چشم بپوشد زیرا هیچ نقش مستقلی در عملکرد اقتصادی ایفا نمی‌کنند. هیچ‌یک از این شرایط سخت و انعطاف‌ناپذیر در برابر بررسی‌های انتقادی تاب نمی‌آورد. افراد براساس اطلاعات ناقص و با استفاده از مدل‌هایی که منشأ ذهنی دارند و غالبا نادرست هستند، عمل می‌کنند؛ بازخورد اطلاعاتی نوعا برای تصحیح این مدل‌های ذهنی کفایت نمی‌کند. اینکه نهادها بر عملکرد اقتصادی تأثیر می‌گذارند، چندان جدال‌برانگیز نیست و همگان کمابیش آن را پذیرفته‌اند؛ این نکته نیز چندان محل منازعه نیست که عملکرد متفاوت اقتصادها در طول زمان اساسا متأثر از تغییر و تحول نهادهاست.

نظریه نئوکلاسیک یقینا در پیشبرد دانش سهم بسزایی داشته است و به‌خوبی می‌تواند از جنبه‌هایی بازارهای اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته را تحلیل کند اما این نظریه نتوانسته است علت عدم توسعه‌یافتگی کشورهای جهان سوم را توضیح دهد. درواقع آموزه‌های بازار آزاد بر حفظ وضع موجود تأکید دارد؛ درحالی‌که حفظ وضع موجود در کشورهای توسعه‌نیافته یعنی تداوم توسعه‌نیافتگی و چرخه‌های شوم اندک‌سالاری مبتنی بر توزیع رانت. برای مثال با وجود سه دهه تضعیف‌های مکرر ارزش پول ملی و افزایش مستمر نرخ ارز سهم کشور در تجارت خارجی از نظر صادرات مواد خام هیچ تغییر محسوسی نکرده است و این به آن معنی است که با آموزه‌های اقتصاد بازار در طول سه دهه گذشته همچنان زمینگیر هستیم و با تزریق انبوه منابع ارزی و ریالی و تاراج منابع بین‌نسلی جایگاهمان همچنان به‌عنوان کشور صادرکننده مواد خام و باارزش افزوده پایین بدون تغییر مانده است. اما در مسئله نرخ ارز راهکار طرفداران بازار آزاد آزادسازی کامل بدون هیچ نوع قاعده‌گذاری است؛ درحالی‌که آزادسازی بدون توجه به شرایط هر جامعه و وجودنداشتن عوامل ذره‌ای در دوطرف عرضه و تقاضا باعث هرج‌ومرج در بازار می‌شود. علاوه بر این در چنین شرایطی توصیه‌های بازارگرایان نیازمند منابع لایتناهی ارز در کشور است؛ درصورتی‌که حتی در کشورهای صنعتی هم موارد متعدد شکست بازار به رسمیت شناخته شده است. دائما از سوی هرج‌ومرج‌گرایان بازار از واسپاری مطلق امور به بازار سخن رانده می‌شود اما باید توجه داشت که بازار خود یک نهاد است و قواعد آن از سوی دولت‌ها تعریف، تضمین و اجرا می‌شود و طرز عمل بازار به قاعده‌گذاری دولت براساس طرز عمل نهادهای پشتیبان بازار وابسته است.

نکته‌ای که از طرف بازارگرایان وطنی مورد غفلت قرار می‌گیرد، این است که متغیر نرخ ارز ازجمله متغیرهای کلیدی در اقتصاد است و بی‌ثبات‌سازی اقتصاد از طریق بی‌ثباتی متغیر کلیدی نرخ ارز همه متغیرهای کلان اقتصادی را دچار مشکل می‌کند و این‌چنین اقدامات ثبات‌زدا که موجب فروپاشی اعتماد عمومی می‌شود و به تاراج ذخایر استراتژیک کشور در شرایط سخت بازگشت تحریم‌ها منجر خواهد شد که وجود آن ذخایر مهم‌ترین و دردسترس‌ترین لازمه مهار بحران است، نشانه‌ای از خیرخواهی در آن نیست. رجوع به تاریخ درس‌های خوبی برای آموختن دارد. در اردیبهشت ۱۳۷۴ نرخ ارز در بازار آزاد دچار بی‌ثباتی شد. بی‌ثباتی نرخ ارز در حالی روی داد که زمینه‌های بی‌ثباتی آن به دنبال اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری و بدون ایجاد زمینه مناسب و سیاست‌های نسنجیده ارزی از سال ۱۳۷۲ که اولین بازپرداخت بدهی‌های خارجی آغاز و کشور با کمبود ارز مواجه شد، شکل گرفت. نکته معماگونه این بود که متصدیان امور در چنین شرایطی می‌خواستند نظام شناور مدیریت‌شده ارزی ایجاد کنند؛ اما وقتی مبادرت به این امر کردند، بازار شناور مدیریت‌شده حتی یک روز هم دوام نیاورد. به خاطر بدهی‌های چشمگیر خارجی و تورم بالا و مستمر و بی‌ثباتی‌های پولی، نرخ ارز در اردیبهشت ۱۳۷۴ به‌شدت افزایش یافت و دلار از مرز هفت هزار ریال گذشت و به دنبال آن قیمت‌ها به‌شدت بی‌ثبات شد. شهروندان آسیای میانه برای خرید کالا به بازارهای مشهد، شهرهای شمالی و حتی تهران هجوم آوردند و تورم ۵۰درصدی خرده‌فروشی و ۶۰درصدی عمده‌فروشی سال ۱۳۷۴ در همین ماه رقم خورد و نشان داد که اثرات تغییرات و پرش‌های نرخ ارز بر تورم و انتظارات تورمی چشمگیر و شدید است؛ گویی نرخ ارز این ظرفیت را دارد که در هنگام بی‌ثباتی کل اقتصاد را به بی‌ثباتی بکشاند.

بنابراین دولت مجبور شد در خرداد ۱۳۷۴ نرخ ارز صادراتی را به ازای هر دلار سه هزار ریال تثبیت و خریدوفروش سوداگرانه ارز را ممنوع کند. از طرف دیگر با وضع پیمان‌سپاری ارزی صادرکنندگان ملزم شدند تا ارزهای ناشی از صادرات را به بانک مرکزی بفروشند. به دنبال این اقدام تثبیتی، تورم در ماه‌های بعد کاهش یافت و در سال بعد با وجود نرخ رشد نقدینگی که به طور تقریبی معادل سال ۱۳۷۴ بود، تورم به کمتر از نصف کاهش یافت و وضعیت تولید و صادرات نیز در مقایسه با قبل بهتر شد (البته به خاطر پیمان‌سپاری ارزی کم‌گویی صادرات هم موضوعیت یافت). این اقدام یک اقدام علاجی مبنایی نبود؛ بلکه نشان داد بی‌ثباتی اقتصاد از طریق بی‌ثباتی متغیر کلیدی نرخ ارز همه متغیرهای مهم کلان اقتصادی را دچار مشکل می‌کند و با تثبیت آن وضعیت اقتصاد دست‌کم در مقیاس محدود بهتر می‌شود. درسی که تجربه سال ۱۳۷۴ به ما می‌آموزد، این است که افزایش بدون مقدمه و شدید نرخ ارز رکود تورمی را شدیدتر می‌کند؛ زیرا هم انتظارات تورمی و تورم را شدیدا تغذیه می‌کند و هم اینکه با گران‌کردن و محدودکردن قابلیت دسترسی مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و تورم شدید، هزینه‌های تولید را دستخوش محدودیت و مشکل می‌کند.

پرهیز از چندنرخی‌بودن و فریادهایی که طرفداران هرج‌ومرج بازار در تقبیح نظام چندنرخی قبل از تلاطم‌های ارزی مطرح می‌کردند و پیوسته به بهانه تک‌نرخی‌شدن ارز زمینه‌های افزایش آن را فراهم می‌آوردند و از مضرات رانت و فساد ایجادشده در دونرخی‌بودن ارز سخن می‌گفتند و دستگاه‌های تبلیغاتی‌شان نیز زمینه افسارگسیختگی ارز را فراهم کرد؛ تاجایی‌که حتی بعد از اعلام نرخ ۴۲ هزار ریال در ازای هر دلار نیز این روند ادامه داشت با دفاعیات امروز ایشان در زمینه لزوم بازار ثانویه ارز که فلسفه وجودی آن هرج‌ومرج چندنرخی همراه با فساد و رانت گسترده است، آشکارا در تناقض است و رجوع به آرشیوهای دستگاه‌های تبلیغاتی ایشان در گذشته نه‌چندان دور گواهی بر این مدعاست! آیا جز این است که آن زمان منافع فرادستان ایجاب می‌کرد آن‌گونه سخن رانده شود و دونرخی‌بودن تقبیح شود و امروز منافع ائتلاف مسلط در هرج‌ومرج بازار با نام بازار ثانویه و چندنرخی‌شدن ارز است؟ آیا ائتلاف مسلط به فراخور منافع‌شان نظریات‌شان نیز تغییر می‌کند؟ تا وقتی بازار ارز به معنای رقابتی و عمیق آن شکل نگرفته است، باید آن را مدیریت کرد و طبیعتا نحوه مدیریت هم باید طوری باشد که درمجموع سیاست‌های ارزی که شکل داده می‌شود، با مقتضیات بخش‌ها و متغیرهای مرتبط و وضعیت کلان اقتصاد کشور سازگار باشد.

وقتی کمبود ارز در بازار مشاهده می‌شود، نیازهای افزایش‌یافته تجاری و هجوم سوداگرانه مردم، بانک‌ها و مؤسسات مالی برای تقاضا و خریدوفروش ارز، نرخ ارز را به سمت بالا پرش می‌دهد و عده‌ای به اشتباه می‌گویند بازار دارد خود را پیدا می‌کند و آنچه در حال وقوع است، شکل‌گیری نرخ تعادلی ارز است. نتیجه این می‌شود که سودهای نامتعارف عاید بخش نامولد و سوداگران می‌شود، قدرت خرید مردم به‌شدت کاهش می‌یابد، نیروی انسانی ماهر و غیرماهر به‌شدت ارزان می‌شود و جابه‌جایی ناکارا و مخرب در درآمد و ثروت شکل می‌گیرد. صاحبان قدرت قیمت‌گذاری در حوزه واردات و تجارت درآمدهای بادآورده کسب می‌کنند و قیمت‌های نسبی به جای بهبود، به‌مراتب بدتر از قبل می‌شود. تأکید اصلی ما این است که در کوتاه‌مدت باید نرخ ارز را تثبیت کرد؛ بنابراین وقتی بازار به معنای رقابتی آن وجود ندارد، رهاکردن نرخ ارز به‌عنوان احاله به بازار هیچ موضوعیتی ندارد و جز بی‌ثباتی اثری بر جای نمی‌گذارد و باید آن را یک توصیه مشکوک و بحران‌ساز تلقی کرد.

مهار تورم در کوتاه‌مدت اقتضا می‌کند از سیاست‌های تورم‌زا پرهیز شود زیرا تورم مبتنی بر قیمت‌گذاری دلخواه و تورم فشار هزینه‌ها در شرایط انفعال و بی‌ثباتی پولی و انعطاف سرعت گردش پول امری رایج است. بنابراین برای مهار تورم باید از بی‌ثباتی ارز جلوگیری کرد. مسلما وقتی نرخ ارز در چنین شرایطی در بازار واقعی تعیین نمی‌شود باید مدیریت شود.

ادامه در صفحه ۵

خبر

انتقال نمایشگاه بین‌المللی تهران به شهر آفتاب منتفی شد

● مدیرعامل نمایشگاه بین‌المللی تهران گفت: انتقال نمایشگاه بین‌المللی تهران به شهر آفتاب صد درصد منتفی است و هرگز امکان‌پذیر نیست. معتقدم نباید به‌صورت احساسی و سیاسی با این موضوعات برخورد کرد. به گزارش تسنیم، عباس قبادی، مدیرعامل اسبق شرکت بازرگانی دولتی ایران و مدیرعامل فعلی نمایشگاه بین‌المللی تهران، در گفت‌وگو با تسنیم، اظهار کرد: هرچند حضور شرکت‌های خارجی بعد از خروج آمریکا از برجام تا حدودی کاهش یافته است، اما در نظر داریم طبق برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته نمایشگاه‌ها را طبق کیفیت و کمیت سابق برگزار کنیم. او با اشاره به اینکه به‌غیر از رژیم غاصب صهیونیستی ممنوعیتی برای ورود سایر کشورها در نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران وجود ندارد، گفت: با این دو کشور نیز مانند کشورهای دیگر برخورد می‌کنیم.

قبادی درباره مشکل ترافیکی در زمان برگزاری نمایشگاه توضیح داد: مسئولان ترافیک شهرداری تهران و پلیس راهور همکاری خوبی با نمایشگاه داشته‌اند، در سنوات گذشته سخت‌گیری‌هایی اعمال می‌شد که اکنون با توجه به شرایط اقتصادی کشور همکاری لازم را با ما دارند و در این دوره بیشترین همراهی میان شهرداری و نمایشگاه در حال انجام است. او افزود: برای رفع این مشکل نیز نمایشگاه، نیروی انتظامی و شهرداری تهران اقداماتی را در یک راستا انجام داده‌اند که در نتیجه اقدامات انجام‌شده در دو سال اخیر فضای پارکینگ از دو هزار جای پارک به پنج هزار رسیده است.

همچنین نیروی انتظامی بر ورود و خروج خودروها از نمایشگاه دقت بیشتری می‌کند، از طرفی برگزاری برخی از نمایشگاه‌های پرمخاطب مانند نمایشگاه کتاب و فروش بهاره را به شهر کتاب و مصلی سپرده‌ایم تا بار ترافیک کاهش یابد. سرپرست و عضو هیئت‌رئیسه شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی خاطرنشان کرد: باید توجه داشت اکنون همه مناطق تهران ترافیک دارد و حتی شهر آفتاب نیز با این معضل درگیر شده است. زمانی که نمایشگاهی در شهر آفتاب برگزار می‌شود، ملاحظه می‌کنید که ترافیک نمایشگاه شهر آفتاب بسیار بیشتر است. از این‌رو شهر آفتاب نیز ظرفیت برگزاری برخی از نمایشگاه‌ها را ندارد چراکه زیرساخت‌های کاملی مانند حمل‌ونقل عمومی مناسب در اختیار این نمایشگاه نیست به همین دلیل نیز نمایشگاه کتاب از شهر آفتاب به مصلی انتقال پیدا کرد.

محدوده میادین مشترک خزر مشخص شده است

سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس گفت: نباید اجازه داد اتفاقی که در میادین مشترک خلیج‌فارس در حوزه بهره‌برداری رخ داد، در میادین مشترک خزر تکرار شود. بهروز نعمتی در گفت‌وگو با خانه ملت، با اشاره به بهره‌برداری سریع از میادین مشترک در شمال کشور از سوی همسایه‌ها گفت: شرکت نفت خزر در فلات خزر اقدامات خوبی برای بهره‌برداری از میادین نفتی و گازی انجام داده و پیگیری کرده است. سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی افزود: حدود میادین مشترک در دریای خزر مشخص شده و در بحث سرمایه‌گذاری‌ها اتفاقاتی رخ داده است. وی با اشاره به تغییر تیم مدیریتی شرکت نفت خزر، ادامه داد: تیم جدیدی که در شرکت نفت خزر مستقر شده است، باید اقدامات اجرائی برای بهره‌برداری از ذخایر میادین را سریع‌تر به ثمر برساند. نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه مکاتبات و جلسات متعددی با شرکت نفت خزر صورت گرفته است، اظهار کرد: مشکلاتی در حوزه مدیریتی شرکت نفت خزر وجود داشت که این مشکلات رفع شده است و درحال‌حاضر باید کارهای علمی و اجرائی بهره‌برداری از میادین را انجام دهند. سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: نباید اجازه داد اتفاقی که در میادین مشترک خلیج‌فارس در حوزه بهره‌برداری رخ داد، در میادین مشترک خزر تکرار شود و باید از ذخایر نفتی و گازی در این حوزه حداکثر استفاده را برد.

کاهش نامحسوس قیمت طلا و ارز در بازار

● بعد از چند روز افزایش قیمت طلا، سکه و ارز، امروز روند قیمت‌ها کاهشی بود؛ اگرچه میزان کاهش قیمت‌ها در حدی نبود که در بازار ملموس باشد. به گزارش خبرآنلاین، قیمت سکه امامی در بازار چهار هزار تومان کاهش پیدا کرد؛ این در شرایطی است که قیمت سکه بهار آزادی، نیم‌سکه، ربع‌سکه و سکه گرمی بدون تغییر ماند. به‌این‌ترتیب، سکه امامی چهار میلیون و ۵۴۹ هزار تومان، سکه بهار آزادی چهار میلیون و ۲۰۱ هزار تومان، نیم‌سکه دو میلیون و ۱۲۰ هزار تومان، ربع‌سکه یک میلیون و ۱۱۰ هزار تومان و سکه گرمی ۶۴۰ هزار تومان بود.